



سال نو مبارک! جلوی کیبورد پیتزا نخورید! این هم از پیام نورزی! (: خب، البته این پیام یک مقداری رمزی بود و جز برای برنامه‌نویس‌ها و مهندسان شبکه و بقیه خوره‌های کامپیوتر که تجربه «پیتزاخوری جلوی کیبورد» را دارند، مفهوم نیست. البته قصد داشتم مانند بقیه آدم‌ها همان پیام کلیشه‌ای «آرزوی سلامتی و شادی برای شما» را بازگو کنم. اما تصمیم گرفتم کمی مصداقی صحبت کنم و دو کلمه حرف مفید بزنم.

بدزیستی کارشناسان کامپیوتر

خیلی از کارشناسان کامپیوتر و فناوری اطلاعات، به‌ویژه برنامه‌نویسان، این شیوه غذاخوردن را تجربه کرده‌اند: دیر وقت است و اغلب مردم از محل کار به خانه خود بازگشته‌اند اما برنامه‌نویس بیچاره زیر کوهی از کار کدنویسی، با چشم‌های خسته و قرمز همچنان نگاه به صفحه مانیتور دوخته است و امیدوار است با اجرای «این یکی اسکریپت» یا «این آخرین تنظیمات» مشکل یا چالش فنی که با آن درگیر است را حل کند و به خانه رود، اما آن چالش لعنتی دست بردار نیست و کارشناس خسته‌ی ما را درگیر یک کار به ظاهر بی‌انتهای کرده است. به تدریج شکم به غار و غور می‌افتد و نمی‌شود گرسنگی وقت شام را تحمل کرد. ساده‌ترین راه حلی که به ذهن می‌رسد این است که به یک پیتزا فروشی در محله زنگ بزنید و سفارش بدهی و همانطور که منتظر رسیدن شام هستی، به کشتی‌گرفتن با آن چالش فنی ادامه دهی تا کار به جای مناسب برسد. وقتی هم که پیتزا می‌رسد، هنوز درگیری ادامه دارد و به ناچار یکی در میان چنگالی به پیتزا می‌زنی و با آن «انگشت کوچیکه» که هنوز چرب یا سسی نشده دکمه‌های کیبورد را فشار می‌دهی تا کدی اجرا شود یا یک اسکریپت اصلاح شده دوباره تست شود یا...

برنامه‌نویسان جوان و خوره‌های کارکننده کامپیوتر همواره امیدوارند که یک روز این سبک زندگی به پایان برسد. همواره به خودمان می‌گوییم «فقط این یک ماه هم پشت کار بذارم حله.» «فقط همین دو ماه تا شب عید کارم سنگین است ولی عوضش سال آینده وضع خوب می‌شود.» «دیگر این آخرین باری است که زنگ می‌زنم خانه و به مادرم/همسرم می‌گویم امشب دیر می‌آیم، شما خودتان شام بخورید و منتظر نمانید.» سال‌ها یکی پس از دیگری می‌آید و می‌روند و این روز موعود هیچوقت فراموشی‌ناشد. همیشه یک «همین یکی دو ماه بیشتر» هست و بعد از آن یک «همین یکی دو ماه بیشتر» دیگر. یک روز، شاید پنج سال بعد، شاید ده سال بعد یا بیشتر، بالاخره خسته می‌شویم و با خودمان می‌گوییم «نه! گویا این وضع هیچوقت تمام نمی‌شود.» آن وقت یک تلنگر فلسفی ذهنمان را مشغول می‌کند: «اگر از همان بار اول کسی به من اطمینان میداد که این «همین یکی دو ماه بیشتر» کار سنگین شبانه هیچوقت به پایان نمی‌رسد، آن وقت از ابتدا، زندگی دیگری برای خودم ترتیب می‌دادم.»

معایب پیتزاخوری جلوی کیبورد

برای آن دسته از کارشناسان که هنوز در ابتدای راه‌اند و فست فود خوری در محل کار و محرومیت‌های خودخواسته از شادی‌ها و لذت‌های زندگی درگیرشان نکرده، امروز همان روز است. روزی که با خودمان فکر کنیم این شیوه زندگی درست نیست و پایانی هم ندارد. کامپیوتر خیلی جالب است و حل معماهای کامپیوتری جالب‌تر، اما زندگی

ماورای این‌هاست و کارشناسانی که اسکریپت‌نویسی شبانه را به جای عشق اشتباه گرفته‌اند، نمی‌دانند با زندگی و سلامتی خود چه می‌کنند. من خودم سال‌ها به این شیوه اشتباه زندگی می‌کردم. نه فقط بدخوری و استفاده از غذاهای چرب یا نامناسب به سلامتی بدن لطمه می‌زند و پروتیین و انرژی سالم مورد نیاز را به بدن نمی‌رساند، بلکه فرصت لذت بردن از زندگی را نیز از انسان سلب می‌کند.

وقتی بدخوری عادت شد، صبح‌ها خسته و کم انرژی هستیم. این اپیدمی در میان بسیاری از کارشناسان کامپیوتر فراگیر است. رختی که به این ترتیب به به جسم و روان مان می‌خزد به تدریج کارایی و هوشیاری مان را کاهش می‌دهد.

خستگی مزمن تنها یکی از پیامدهاست. لطمه بزرگ‌تر، از دست رفتن دقایقی است که می‌توانستیم با خانواده یا دوستانمان، دورهم باشیم، تفریح کنیم و شاد باشیم. شادی‌هایی که جای خود را به لذت‌های کاذبی مانند «دانلود رایگان فلان فایل» می‌دهند. بر خلاف تصور خیلی از خوره‌های کامپیوتر، یک «تفریح انسانی» بدون حضور وسایل دیجیتال اصلاً بیهوده و وقت تلف کردن نیست، بلکه زنگ تنفسی است که به مغزمان می‌دهیم تا خسته از چالش‌های ذهنی با الگوریتم‌ها و اسکریپت‌ها و باگ‌ها، خود را بازسازی و ترمیم کند تا روز بعد، دوباره با قدرت به جنگ آن‌ها برویم.

از همه این‌ها مهم‌تر، وقتی زندگی یک کارشناس کامپیوتر این‌قدر با کار پر شود، اصلاً فلسفه زندگی زیر سوال می‌رود. ممکن است پول خیلی خوبی از این طریق به دست آوریم ولی وقت چندانی باقی نمانده باشد که با این پول از زندگی مان لذت ببریم. چاره کار حفظ تعادل و تناسب بین این دو است. پول درآوردن و کار سنگین و مداوم خوب است به شرطی که فرصت‌های کافی نیز به لذت بردن از زندگی اختصاص دهیم. وقتی وارد گرداب «اعتیاد به کار» شویم، خلاصی از شر آن دشوار است. دوستانمان را از دست می‌دهیم و وب‌سایت‌ها، کدها و اسکریپت‌ها جای دوستانمان را می‌گیرند؛ چه دوستان بی‌وفا و بی‌احساسی! بیاید در سال جدید به خودمان قول بدهیم که لذت زندگی را فقط در لذت کار سنگین کامپیوتری معنا نکنیم. زیستن و زنده بودن خیلی بزرگ‌تر از دنیای کوچک کامپیوترهاست. سال نو مبارک! شاد باشید

تاریخ انتشار:

10 فروردین 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/computer-science/12307/%D8%AC%D9%84%D9%88%DB%8C-%DA%A9%DB%8C%D8%A8%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D9%BE%DB%8C%D8%AA%D8%B2%D8%A7-%D9%86%D8%AE%D9%88%D8%B1%DB%8C%D8%AF>